

دانشجویان ایرانی در نیویورک با شعار

مرگ بر شاه

از اشرف «استقبال» کردند

بطوریکه روزنامه نیویورک تایمز خبر میدهد، در روز ۹ ژوئن هنگامیکه اشرف خواهر شاه از پاریس وارد نیویورک میشد، در فرودگاه با نظاهرات مخالفت آمیز عده‌ای از دانشجویان ایرانی روبرو گردید. باینکه اشرف در حفاظت پلیس بود، یکی از دانشجویان صف پلیس را شکست و با مشت‌های گره‌کرده فریاد زد: مرگ بر شاه! پلیس دانشجویی مزبور را توقیف کرد.

ولی این فریادهای خشمگین و محکوم‌کننده که روز بروز رساتر میشود باید هم به شاه سرکرده جنایتکاران و هم به اشرف سردسته قاچاقچیان هروئین و هم به اربابان آنها بفهماند که در هر کجا بروند، چه در ایران و چه در خارج از ایران، آسمان همین رنگ است: ملت ایران خانواده ننگین پهلوی را محکوم کرده است. ملت ایران سزای اعمال این خانواده جنایتکار را در برابر او باسقاط کردن حکومت منفور آنها خواهد داد.

هفتادمین سال تولد والتر اولبریش

کارگری جهان قرار داده است. تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان و ریشه کن کردن بقایای فاشیسم در این کشور و ساختمان یک زندگی سوسیالیستی در آن، بطور گسست ناپذیر با نام و فعالیت والتر اولبریش بستگی دارد. بر اثر مساعی حزب سوسیالیست متحد آلمان و کمیته مرکزی این حزب که والتر اولبریش در رأس آن قرار دارد، امروز جمهوری دموکراتیک آلمان به سنگر استوار صلح و ترقی و تفاهم میان ملتها در قالب اروپا تبدیل شده است. در جمهوری دموکراتیک آلمان، قدرت انحصارات بزرگ مالی و صنعتی و نفوذ زمین داران بزرگ یکبار برای همیشه نابود شده است. در این کشور اثری از میلیتاریسم آلمان، این بلائی مهلکی که فقط طی همین قرن دو بار جهان را بر پرته‌گاه جنگ کشید وجود ندارد. حزب سوسیالیست متحد آلمان طی ۱۸ سال موجودیت خود توانسته است که بجای رژیم پوسیده سابق یک زندگی نوین سوسیالیستی بنا کند و اکنون ساختمان کامل سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان در دست اجراست. امپریالیستها و میلیتاریستهای آلمان غربی سالیان دراز است که با تمام قوا بر ضد رفیق اولبریش تبلیغ میکنند. علت آنست که اولبریش در رأس کمیته مرکزی حزب و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان، سنگر استوار و تزلزل ناپذیر بر ضد امپریالیسم و میلیتاریسم، امپریالیستها و میلیتاریستهای آلمان غربی، در وجود رفیق اولبریش، بزرگترین و سرسخت‌ترین دشمن خود را می‌بینند و به همین دلیل با تمام قوا با او مبارزه میکنند. ولی همین مبارزه دلیل آشکار نیست بر حقانیت و اثر بخشی راهی که در حزب سوسیالیست متحد آلمان، کمیته مرکزی آن و شخص رفیق اولبریش در مبارزه بر ضد امپریالیسم و میلیتاریسم آلمان غربی در پیش گرفته اند. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، از کامیابیهای بزرگ جمهوری دموکراتیک آلمان در ریشه کن کردن بقایای فاشیسم و ساختمان سوسیالیسم بسیار خوشحال است و از آنرا قدم بزرگی در راه حفظ و تأمین صلح در اروپا و سراسر جهان بشمار می‌آورد. ما هفتادمین سالروز تولد رفیق اولبریش را به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان، بمعرد آلمان و شخص رفیق اولبریش و صمیمانه تبریک می‌گوییم و برای او عمر دراز و تندرستی و کامیابی در تمام زمینه‌های حیات سیاسی و اجتماعی مبطایم. کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه‌ای هفتادمین سالروز تولد رفیق اولبریش را تبریک گفته است.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در باره

هجوم به نهضت آزادی بخش ملت کرد

میشود که قصد رژیم عبدالسلام عارف از این مذاکرات چیزی جز اغتنام وقت و تدارک یک حمله عهشکانه به نهضت آزادیبخش کرد نبوده است. حمله دولت عراق به نهضت کرد و حوادث فجیعی که در شمال عراق میگذرد، خشم و نفرت تمام مردم صلحدوست و ترقیخواه جهان را بشدت برانگیخته است. از تمام نقاط سیل اعتراض بسوی بغداد روانست. حوادث خونی که در عراق میگذرد، برای ملت ما که همسایه عراق است، اهمیت اساسی دارد. ملت ما نمیتواند و نباید در قبال حوادث خونین عراق و قتل عام فجیع ملت کرد خاموش بنشیند. رژیم عبدالسلام عارف، حمله عهشکانه به نهضت کرد را بدستور امپریالیسم آغاز کرده بقیه در صفحه ۲

دولت ارتجاعی عراق که با کودتای ۸ فوریه بر سر کار آمده، با حمله سبعمانه به نهضت حق طلبانه و دموکراتیک ملت کرد، دست به جنایت تازه‌ای زده است. واحدهای ارتش عراق که تحت فرماندهی دولت بعثی قرار دارند، عهد شکنانه به واحد های ارتش آزادیبخش کرد حمله کرده‌اند و به بمباران‌های بی‌دفاع و قتل عام مردم بیگناه مشغولند. در جریان این جنایت فجیع، گروههای آدمکش نیز که از اعضای حزب بعث تشکیل شده است، شرکت فعال دارند. این گروهها که نام گارد ملی بخود داده‌اند، بشیوه اس‌اس‌های هیتلری عمل جنایت آمیز دولت بعثی را تکمیل میکنند. متعاقب ورود ارتش مرکزی بر یک از دهات، افراد «گارد ملی» وارد میشوند و به شکنجه و قتل عام مردم بیگناه می‌پردازند.

سیاستی که دولت عراق در پیش گرفته است، یک سیاست ارتجاعی است که با منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، تعارض آشکار دارد. این یک توطئه امپریالیستی است که هدف آن نابود کردن یک نهضت حق طلبانه و دموکراتیک است. همه میدانند که در ماه مارس گذشته در نتیجه مذاکراتی که میان نهضت کرد و دولت عراق بعمل آمد، دولت عراق اصول مطالبات نهضت کرد را پذیرفت و قرار شد که ملت کرد در چارچوب جمهوری عراق از حقوق و آزادیهای ملی خویش برخوردار باشد. در ۱۱ مارس صالح اسعدی معاون نخست‌وزیر عراق در یک کنفرانس مطبوعاتی رسماً اعلام کرد که: «ملت کرد را نمیتوان از حق خود مخاری در چارچوب جمهوری عراق محروم کرد». اگر دولت عبدالسلام عارف راه خدعه و تزویر در پیش نمیگرفت، قطعاً حل مسالمت آمیز و مسئله کرد در همین چارچوب امکان پذیر بود. ولی در همانحال که دولت عراق به اجرای مذاکرات مشغول بود، نیروهای خود را برای حمله به نهضت آزادی بخش کرد، آماده میکرد. امروز بخوبی معلوم

رسالت مطبوعات

نقشی که مطبوعات در کشور های سرمایه داری غرب دارند توجه شده است. آن مطبوعات امریکائی و اروپائی که در ایران مورد تقلید قرار گرفته‌اند بهیچوجه ثمرات طبیعی تکامل جامعه نیستند بلکه مخلوقات سرمایه‌داران برای فاسد کردن و گمراه کردن جامعه‌اند. برای احتراز از طول مقال و بمنظور اثبات مدعا از یک شاهد عادل و گواه موثق کمک مطالبیم. به همین ترتیب که در ایران جابه‌ای از سردبیران چرچاید آغاز تشکیل شدن گذارده در امریکا نیز طبق سنت هر سه‌ساله رداکتورهای مطبوعات بر خورری ترتیب میدهند. در یکی از برخورد های سالانه مطبوعات امریکا جان سوئیتن زداکتور روزنامه معروف امریکائی «نیویورک تایمز» نطق کرد که در مطبوعات امریکا منعکس گردید. این نطق با صراحت و بلاغت تمامی ماهیت بقیه در صفحه ۲

مجله فردوسی در شماره آخر اردیبهشت ماه خود ضمن سرمقاله‌ای تحت عنوان «مأمورده شویم، اندیشه‌ای را مطرح و مدافعه کرده است که مورد تأیید هر فرد مترقی و میهن پرستی است. و آن اینکه «مجلات و مطبوعات ایران باید دارای رسالت اجتماعی و شخصی باشند و در ارتقاء سطح دانش و معرفت و بیداری و آگاهی مردم بکوشند». ولی نمیتوان ناگفته گذاشت که نویسنده صاحب ذوق مقاله ببرخی از نکات اساسی در مورد مطبوعات توجه لازم نداشته است. از جمله نویسنده سرمقاله «مأمورده شویم، چنین استدلال کرده است که چون در فرنگستان گویا بسیار مسائل فنی و عملی واجتماعی حل شده است لذا انتشار مطبوعات «سکسی» و رنگین نامه های جلف و پوچ امری است موافق قاعده و ناشی از ضروریات و مقتضیات. در اینجا بنظر ما به آن

مردم

ایران مرکزی عرب توده ایران

شاه و سیاست بیطرفی

اخیراً شاه مقاله مفصلی در مجله امریکائی لایف منتشر کرده است که ترجمه این مقاله در روزنامه های ایران نیز انتشار یافته است. مطالب این مقاله در حقیقت تکرار همان مطالبی است که چند سال پیش شاه در کتاب خود نوشت و پیش از آن و بعد از آن هم سالهاست که در نطقهای خود تکرار میکند. یکی از نکاتی که شاه در این مقاله اشاره کرده است، موضوع بیطرفی ایران است. شاه مینویسد: «نخستین درسی که تجربه تلخ اشغال ایران در دوران جنگ و تجربه تلخ تر تجربه آذربایجان بدست قوای خارجی و جدائی اجباری این استان زرخیز وطن ما از بقیه کشور بما داد این بود که ادامه سیاست بیطرفی که تا آنوقت سیاست سابقه دار ما بود نمیتواند منافع حیاتی ما را تضمین کند و ما در مقابل خطری که بعلم موقعیت جغرافیائی بسیار حساس ایران پیوسته متوجه ماست میباید دوستان مطمئنی برای خود داشته باشیم یعنی عملاً و صریحاً در جبهه‌ای که از لحاظ طرز فکر و اصول اجتماعی و معتقدات اخلاقی با ما اشتراك دارد بعنوان یک عضو مؤثر شرکت کنیم و همین کار را هم کردیم یعنی در پیمان مرکزی (ستو) شرکت جستیم و یک سلسله قرار داد های توسعه اقتصادی با غرب منعقد ساختیم.» آنچه شاه میگوید سفسطه‌ای بیش نیست. علت اشغال ایران از طرف قوای متفقین در جریان جنگ دوم جهانی، بیطرفی ایران نبود، بلکه نقض بیطرفی بود. همه میدانیم که در جریان جنگ با اینکه ایران رسماً یک کشور بیطرف بود، ولی عملیات نفوذ شدید فاشیست های آلمانی قرار گرفت و بسیاری از رشته‌های اداره امور کشور بدست آنها افتاد. فاشیست‌ها حتی بوسیله ایادی خود در ایران در صدد اجرای بعضی اقدامات مسلحانه بودند و قصد داشتند که بدینوسیله مرز های جنوبی اتحاد شوروی را مورد تهدید قرار دهند. بدین ترتیب سیاسی را که رضا شاه در جریان جنگ دوم جهانی تعقیب میکرد نمیتوان سیاست بیطرفی دانست و قطعاً عواقب ناشی از آن نیز، عواقب سیاست بیطرفی نیست، بلکه عواقب نقض بیطرفی بنفع یکی از طرفین محارب‌هاست. اما صرف نظر از این جریان تشبیه وضع کنونی جهان با اوضاع جهان در بیست و پنج سال گذشته نیز صحیح نیست. در ۲۵ سال اخیر حوادث فراوانی در جهان روی داده است که قطعاً نمیتواند در اوضاع کشور ما بی تأثیر باشد. اگر ۲۵ سال پیش رژیم سوسیالیستی فقط در کشور شوروی وجود داشت، امروز در بخش بزرگی از جهان وجود دارد و بیش از نلتک مردم جهان درد اثره سوسیالیسم زندگی بقیه در صفحه ۲

اینهم باز دید هنری

یکی از طرق آشنائی ملل با فرهنگ و هنر یکدیگر، دید باز دید هنرمندان یک کشور از کشور های دیگر است. ولی در رژیم فساد آلوده‌ای که عجلاناً برومین‌ما چیره است حتی دیدار هنرمندان خارجی نیز نتیجه معکوس‌بار می‌آورد. این‌اواخر بطوریکه می‌دانیم جینالولو بریچندا هنرمند ایتالیائی در رأس ۱۵ تن از ده‌ها هنر خود به ایران آمد. آرایشگران رژیم محل اقامت او را «هتل هیلتون» معین کردند و کوشیدند مثل همیشه واقعیت تلخ زندگی مردم ایران را در پشت شکوه و جلال این هتل از نظر این خارجی پنهان نگاه دارند. جینالولو هفته در هتل هیلتون اقامت کرد و طی این مدت متصدیان امر نهایت دقت را بعمل آوردند تا او فقط از تقاضای دیدن کند که دلخواه مهمانداران بود. هدف اصلی دعوت این هنرمند خارجی نمایش زیبایی روی و موی، مدلباس وزوز و برق جواهرات او و در نتیجه سرگرم ساختن مردم بود. چراغ و مجلات پایتخت هفته‌ها قبل از ورود او برنامه مسافرتش را در مقیاس وسیع تبلیغ می‌کردند. مهمترین بخش این برنامه شرکت جینا در شب نشینی جمعیت ۱۷ دی بود که غرض از تشکیل آن جمع آوری پول جهت ساختمان بیمارستانی برای کودکان وانمود گردید. روزنامه‌ها نوشتند که عواید این شب‌نشینی در حدود ۳۰ هزار تومان بوده است. ولی بطوریکه مطالب مندرجه در خود این چراغ نشان میدهد هزینه یک هفته مسافرت جینا، خرید هدایا و مخارج حیاتیات آن که بافتنار او ۱۵ تن همراهش داده شده اگر از درآمد شب نشینی پراوازه بیشتر نباشد خیلی هم کمتر نیست. تازه بفرض آنکه نمایش روی موی واندام جینا، درآمدی برای مهماندارانش تأمین کرده باشد از جمع آوری این درآمد تا ساختمان واقعی یک بیمارستان برای کودکان مسافت درازی در پیش است. و اما بیشیم در حاشیه این مسافرت چه گذشته است.

سراسر روزنامه‌ها و مجلات تهران را که بررسی کنیم جز توصیف زیبایی جینا، تعداد لباسهای او، بهای جواهرات او، تنوع آرایش او، تعداد مستطین و مشایع او مطالبی نیست. روزنامه ای می‌نویسد: جینا تمام جواهرات خود را با خود آورد تا در شب نشینی باشکوه افسران با شرکت شهبانو مورد استفاده قرار دهد و روزنامه دیگر در باره لباس ده هزار لاری او داد سخن میدهد. یک جا جینا را در کنار سرکردۀ اوباش درباری شعبان جعفری مشاهده میکنیم و جای دیگر او را در میان جمعیتی می‌بینیم که بقول روزنامه‌ها با فریاد های «جینا خوشگلکه خوش آمدی، به استقبال آمده بودند. جینا خوشگلکه باشت می‌کند که جینا عکس اعضا شده» شعبون خان، را بعنوان یادگار سفر با خود برد و مجله دیگر از اینکه جینا به محبوبیت فرح در میان تقریباً همه مردم اروپا! اشاره نموده غرق نشاط است. در سراسر این روزنامه‌ها و مجلات هیچ کجا صحبتی از هنر سینمائی ایتالیائی، زندگی مردم ایتالیا و محتوی بعضی از فیلمهای رایستی که همین جینا ایفا کند نقشی اول آن بوده است در میان نیست. مصاحبه تلوزیونی با جینا الگوی همان مصاحبه های روزنامه‌ها و مجلات جنجالی آمریکا و اروپاست و دایره کلام از خور و خواب جینا، لباسها و جواهرات او و مسائل بسیار پیش پا افتاده زندگی شخصی او فراتر نمی‌رود. بدین ترتیب می‌بینیم یا ستاره خارجی باصرف مبالغی کزاف از کیسه تهی مردم بایران دعوت میشود، یک هفته در معرض تماشا قرار میگیرد، نه خود با واقعیت زندگی مردم آشنا میشود و نه مردم میتوانند از هنر فرهنگ کشور او اطلاع بیشتری کسب کنند و پس از یک هفته هیاهو و جنجال باتمثال اغلیحضرت شهبانو و با یک قطعه عکس اعضا شده شعبون خان، به ایتالیا باز میگردد.

جای تأسف است که متبکر چنین دعوتی یکی از جمعتهای زنان بوده است و آنهم دروز های حساسی که جامعه زنان ایران وظایف خطیری را برای احراز برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در پیش دارد. جمعیت های زنان در آستانه مبارزه با وسیع و حد جهت استفاده صحیح از حق رأی و تجهیز و تشکل زنان شهر و ده برای مبارزه طولانی در راه کسب حقوق کامل خویش هستند. پرداختن به امور خیریه و دعوت یا ستاره خارجی بابصورت مبتدل البته نمیتواند در برنامه مبارزات زنان ایران جا داشته باشد. خواهران شاه و ندیمه های درباری و ایادی آنها در سازمانهای

زنان تمام تلاش خود را بکار می‌برند تا زنان را از راه مبارزه صحیح و ثمربخش باز دارند و آنانرا باخره کاریها سرگرم سازند، وظیفه زنان روشن بین مبارز ایران است که دست درباریانرا از نهضت زنان کوتاه کنند و مبارزه را در مسیر صحیح و معطولی آن به پیش ببرند. مینو

وزیر مختار جاسوس

مدتی است که سر لشکر علوی کیا بوزیر مختاری ایران در آلمان غربی منصوب شده است. ماهیت سر لشکر علوی کیا بعنوان یک جاسوس که کار بویژه برای مبارزان راه آزادی و استقلال ایران آشکار است. سر لشکر علوی کیا سالهاست که مراحل جاسوسی را - بنفع شاه و اربابان شاه - قدم بقدم پیموده و از عضویت رکن ۲ ستاد ارتش بمقام کفالت سازمان امنیت رسیده است. اکنون این جاسوس که کار «وزیر مختار هم شده است! قضیه از چه قرار است؟ سازمان امنیت وقتی تسلط چینی خود را در داخل کشور برقرار کرد، همراه توسعه جنبش دانشجویان ایرانی در خارجه، شبکه جاسوسی خود را بخارج از کشور نیز گسترش داد. نخست طبق معمول، جیره خواران خود را بنام دانشجوی بجاسوسی در میان دانشجویان واداشت. ولی از یکطرف این جیره خواران دانشجویان را خیلی زود شناخته شدند و میشوند از طرف دیگر «خشم اغلیحضرت» بر اثر «گستاخی» دانشجویان که برای سرنگون کردن حکومت منفور شاه دایما مبارزه خود را تشدید میکنند، افزایش مییابد. بنابینجهت سازمان امنیت در سفارتخانه های ایران مأموران خود را گماشت تا فعالیت شوم خود را بهتر سازمان دهد. بعدا این شیوه را هم تکمیل کرد، یعنی از یکطرف سفیران را - مانند تاتسکی سفیر ایران در اتريش - بجاسوس خود مبدل ساخت و از طرف دیگر بمأموران سازمان امنیت، مشاغل سیاسی داد، مانند انتصاب سرهنگ زیبایی قاتل بدبیری سفارت ایران در اتريش و ایانت انتصاب سر لشکر علوی کیا، کفیل سازمان امنیت بوزیر مختاری ایران در آلمان غربی. با چنین شیوه ای سفیر و وزیر مختار جاسوس هم اعضای سفارت را زیر نظر دارد و هم با سوء استفاده بصورت سیاسی بهتر بکار جاسوسی خود میبرد. از در اینکه یکی از وظایف اصلی سفارتخانه یک کشور، دفاع از حقوق و منافع اتباع آن کشور در خارجه است گویا تردیدی نباشد. ولی اینهم یکی دیگر از خصوصیات رژیم شاه شده است که علیرغم این اصل بدیهی، وظیفه اساسی سفارتخانه های ایران پرورده سازی تعقیب و مجازات ایرانیان مقیم خارجه شده است. انهم ایرانیانی که از زمره رفیقان و میهن پرست ترین مردم وطن ما هستند و تنها «گدانه» آنها مبارزه در راه عدالت است. سفارتخانه ها و سفاری جاسوس در پرورده سازی برای همین ایرانیان حتی از پالیس خارجی هم کمک میگیرند و در بسیاری موارد با سازمانهای جاسوسی کشور های خارجی برای تعقیب ایرانیان میهن پرست همکاری نزدیک دارند.

اینکه سر لشکر علوی کیا بوزیر مختاری ایران در آلمان غربی منصوب شده علاوه بر این سیاست کلی رژیم شاه، دلیل خاصی هم دارد و آن نیست که از یکطرف تعداد دانشجویان ایرانی در آلمان غربی بیش از سایر کشور هاست و جنبش آنها نیز از بسیاری از کشور ها نیرومندتر است. از طرف دیگر رژیم کنونی آلمان غربی روز بروز قیافه پلیسی تری بخود میگیرد و در نتیجه همکاری متقابل سازمان امنیت و سازمان پلیسی آلمان غربی نزدیکتر میشود. برای پرورده سازی و همکاری پلیسی چه کسی بهتر از سر لشکر علوی کیا؟!

ولی شاه وجاسوس که کارش سر لشکر علوی کیا فقط یک اشتباه کوچک، مرتکب میشوند. و آن اینست که تجربه گذشته را از یاد میبرند و از گذشته درس عبرت نمیگیرند. دهسال است که شایوسلکه کسانی مانند سر لشکر علوی کیا که ترور پلیسی را روز بروز تشدید میکنند ولی اینک پس از دهسال، شاه بیش از هر زمان دیگری رسوا تر، منفورتر و حکومتش متزلزل تر است. بر عکس جنبش مردم میهن ما و از جمله جنبش دانشجویان هر روز دامنه وسیعتری بخود میگیرد، متحذرتر میشود، عمیق تر میگردد و آگاه تر میشود. و همین تجربه است که دور - نمای آینده را تعیین میکند.

حکومت پلیسی سرانجام سرنگون خواهد شد و جاسوسان و جاسوس پروران بمجازات شایسته خود خواهند رسید. بگذار باز به شاه خوب جدیدی بریزد. بگذار بلایم جاسوسانی مانند سر لشکر علوی کیا شبکه چینی خود را توسعه دهند. آنها از این سرنوشت رهایی نخواهند یافت. م. نوری

هیه از صفحه ۱

رسالت مطبوعات

مطبوعات آمریکا را که نمونه و سرمشق رنگین نامه‌ها و جراید پرتیراژ ایرانی است افشاء میکند. جات سوئیتن گفت «من در هر هفته ای ۱۵۰ دلار دریافت میدارم تا نقطه نظر خود را در روزنامه‌هایی که در آن کار میکنم آشکار و شرافتمندانه بیان نکنم، شما نیز همین پادشاه را برای همین هدف دریافت میدارید زیرا اگر کسی از حضار این جلسه عتاید صادقاته خود را در روزنامه بنویسد آن از روزنامه اخراجش میکنند». سوئیتن گفت «یک روزنامه نگار نیویورکی باید حقیقت را تحریف کند، بشیرانه دروغ بگوید، در واقعیت سفسطه نماید، تهمت بزند، در برابر خدای زورور، در برابر مأمون سرتسلیم فرود آورد، خلق و کشور را به لقمه زانی بفروشد. قریحه، استعداد و زندگی ما ملک طلق دیگران است. ما به روسپیان فکری مبدل شده‌ایم».

اینست توضیحی که یک رداکتور جدی ترین و موثرترین روزنامه آمریکا در باره ماهیت کار روزنامه نگار امریکائی میدهد. دیگر تکلیف رنگین نامه‌ها و جراید جاف و بولوازی این کشور روشن است. همین سر مشق است که در برابر جراید و مجلات فروخته شده ایران یعنی روسپیان فکری کشور ما قرار دارد. بهمین جهت در فساد مطبوعات ما نه نقش امپریالیسم نه نقش طبقات حاکمه ایران را نمیتوان بحساب نیلورد. این محاسبه برای صحت نبرد ویرانی آن ضرور است.

بقیه از صفحه ۱

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران است وهدف آن چیزی جز تحکیم مواضع امپریالیسم در عراق و بازگشت به دوران سیاه نوری سعید نیست. در این توطئه نه تنها رژیم عبدالسلام عارف بلکه سایر رژیمهای دست نشاندۀ همسایه عراق نیز شرکت دارند. بطوریکه خبرگزاری های خارجه اطلاع میدهند، عمل دولت عراق با تأیید دولت سوریه، دولت حزب بعث و دولتهای ایران و ترکیه صورت گرفته است. رژیم شاه که اکنون بمقاومت شدید توده های ستمدیده مردم ایران رویروست، از بسط نهضت ترقیخواهان در عراق میترسد و سر کوبی نهضت کرد را مؤید اقدامات تبهکارانه خود میشمرد. دول ترکیه و سوریه نیز بساطقه الهام از امپریالیسم با سیاست دولت عراق موافقت و آنرا مورد تأیید قرار داده‌اند. باین ترتیب سر کوب نهضت آزادیبخش کرد در عین حال عملی است علیه مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای کشور ما.

بخش بزرگی از ملت کرد در کشور ما - در کردستان ایران - زندگی میکند. حزب توده ایران همانطور که در برنامه خویش اعلام کرده است به حقوق و آزادیهای تمام خلقهای که در چارچوب کشور ما زندگی میکنند احترام می‌گذارد و رعایت این حقوق را لازم میشمرد. رژیم شاه با تأیید سیاست تبهکارانه دولت عراق در حقیقت مخالفت خود را با حقوق و آزادیهای خلقهای که در داخل ایران زندگی می‌کنند نشان میدهد. و این دلیل تازه‌ایست بر ماهیت ارتجاعی رژیم شاه.

در قبال این جریان وظیفه تمام مردم ترقیخواه و استقلال طلب ایران آنست که با تمام قوا از نهضت آزادیبخش ملت کرد دفاع کنند و سیاست رژیم عراق را محکوم نمایند. در این جریان مخصوصاً وظیفه بزرگ بعدۀ آن بخش از خلق کرد که در کشور ما ساکن است، قرار دارد. در روز های اخیر جمع کثیری از زنان و کودکان کرد ساکن عراق به کردستان ایران پناه آورده‌اند. وظیفه مردم ایران نگاهداری و حمایت از این مردم بیگناه و حق طلب است. علاوه بر این، باید مردم ایران، مخصوصاً آن بخش از خلق کرد که در کردستان ایران ساکن است، با تمام قوا و با تمام وسائل به برادران

بقیه از صفحه ۱

میکند. مسئله باین ترتیب مطرح است که آیامیتوان موجودیت و قدرت این اردوی بزرگ را ندیده گرفت؟ آیا میتوان درجوار کشور شوروی زیست، و در عین حال با دشمنان آن برضد آن متحد شد؟ شاه، عدول از بیطرفی و پیوستن به بلوک ضد شوروی را بنفع تأمین امنیت و استقلال ایران می‌داند. اینگونه قضاوت حداقل نشانه نهایت کوتاه نظری است. در این جهان پر آشوب در کنار یکی از بزرگترین و نیرومندترین قدرتهای سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان زیستن و در همانحال بی‌هانه حفظ استقلال کشور، کشور را میدان توطئه‌ها و تحریکات دشمنان آن قرار دادن، جز خیانت و سفاقت به استقلال و حاکمیت کشور ما مفهومی ندارد. شاه میگوید ما از لحاظ طرز تفکر و اصول اخلاقی و اجتماعی با کشور های غربی شریکیم. این دروغ مطلق است. کی و کجا طرز تفکر، اصول اخلاقی و اجتماعی کشور ما با آمریکا مشابهست؟ از لحاظ اخلاق و آداب، مذهب، مقررات، موازین اجتماعی و شیوه زندگی بین مردم کشور ما و آمریکا شباهتی وجود ندارد. اگر شباهتی وجود دارد بین شیوه عمل، طرز تفکر و روش هیئت حاکمه ایران و هیئت حاکمه آمریکا است. این تشابه را بحساب مردم ایران گذاشتن و باستناد آن اتخاذ تصمیم سیاسی کردن، جز شبده بازی نامی ندارد. در اینجا نکته اساسی اینست که آیا میان منافع مردم ایران و هیئت حاکمه آمریکا یعنی انحصارات بزرگ مالی و صنعتی تشابه و اشتراك وجود دارد یا نه؟ بطور مشخص مثلا میان منافع انحصارات نفتی که بهره برداری از منابع نفت کشور مارا بهمه دارند، و منافع مردم ایران اشتراك وجود دارد یا نه؟ جواب این سؤال روشن است. هیچگونه وجه تشابه و اشتراك وجود ندارد. بالعکس حفظ منافع مردم ایران مستلزم قطع نفوذ انحصارات مالی و صنعتی کشور های امپریالیستی در کشور ماست. منافع ما با آنها آشتی ناپذیرست. ولی شاه بر روی این واقعیت آشکار سربوش می‌نهد و بدو بست خود را با مقامات حاکمه آمریکا و انگلستان بحساب منافع مردم ایران می‌گذارد. ماهمانطور که در اسناد حزبی خود نوشته‌ایم، در شرایط مشخص کنونی سیاست بیطرفی را بهترین سیاست و بنفع حفظ استقلال و امنیت کشور و بنفع صلح جهانی میدانیم. فقط با اتخاذ سیاست بیطرفی است که میتوان در این جهان طوفانی به حفظ استقلال و حاکمیت ایران مطمئن بود و کشور را از گرداب مهالک بزرگ نجات بخشید. اکنون ۸ سال است که ایران عضو پیمان بغداد (ستوی کنونی) است. در این ۸ سال عضویت در این پیمان برای کشور ما جز مخارج سرسام آور نظامی، جز تضعیف هر چه بیشتر استقلال و حاکمیت ملی نتیجه نداشته است. کشور ما عملا زائده سیاست امپریالیستی امریکاست. مقایسه وضع ایران با بسیاری از کشور های بیطرف آسیا و آفریقا بخوبی نشان میدهد که سیاست ضدملی شاه چه لطمه بزرگی بمنافع ایران وارد کرده‌است. تردید نیست که اگر این سیاست ادامه یابد، مصائب و لطمات بزرگتری در انتظار مردم کشور ماست. حق طلب خود که در خاک عراق مورد تجاوز و وحشیانه قرار گرفته‌اند کمک کنند. آزادی خلقها و ملت‌ها از هم تفکیک پذیر نیست. در هر نقطه جهان که خلقی مورد تجاوز ارتجاع قرار گیرد به حقوق همه خلقها تجاوز شده است. بهمین دلیل باید با تجاوز، همه خلقها متحداً مبارزه کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

پنجم تیر ماه ۱۳۴۲

بقیه از صفحه ۴

بزرگان همه قاره‌ها

بتوانند مقام شایسته و بحق خود را در جامعه و خانواده احراز نمایند و آنچنان حق و وظایف متساوی بدست آورند که بما امکان دهد استعدادهای خود را از هر جهت توسعه دهیم و در هر رشته مربوط بترقیات بشر سهم به‌شایم، متفق‌الرای هستیم. میلیون‌ها زن هم اکنون از حقوق متساوی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی برخوردارند و در راه توسعه و تحکیم آن مبارزه میکنند؛ میلیون‌ها زن در ساختمان جامعه نوین براساس تساوی کامل با مردها شرکت دارند.

عمل‌پرازنه‌ها و التیناتریشک‌ها و آلوری‌یکوفسکی پنجو درخشانی ثابت کرد که آرزوی ما میتواند جامه عمل بپوشد. همه ما در این تصمیم قاطع متفقیم که از راه مبارزه سعادت کودکان خود را بدست آوریم و برای همه کودکان جهان زندگی سالم و سعادتمند و پرتوری را تأمین کنیم.

زن - مادر همه کودکان جهان است. مانعیتوانیم با این وضع سازگار باشیم که در عصر ترقیات علمی و اجتماعی که مادر آن زیست میکنند؛ میلیون‌ها کودک از شادی و نشاط بی بهره باشند، گرسنه بسر برند، از سواد محروم بمانند، مورد استثمار قرار گیرند، دچار فقر و مسکنت باشند و بمرگ ناهنگام محکوم گردند. ما نمیتوانیم ببینیم که بین زنها و خلفای ختم دشمنی و نفاق بپاشند و نیروهای ارتجاع و جنگ امکان داشته باشند عقول را مسموم و روح جوانان را فاسد سازند.

زنان همه کشورهای و قاره‌ها!

ما شما را بمبارزه خستگی ناپذیر، بدون ترس از دشواریها و بی‌مضایقه از فداکاری در راه احراز و حفظ حقوق زنان در کلیه شئون زندگی - حق کار و بهداشت، استراحت و فرهنگ، حقوق اقتصادی و مدنی و سیاسی - دعوت میکنیم تا در کشور های خود و در سراسر جهان آنچنان شرایط لازم برای زندگی سعادتمند خانواده بوجود آورید که بر پرتو آن بتوان نسای از کودکان مجهز به آرمانهای صلح و دوستی بین خلفا و ترقی اجتماعی و انساندوستی تربیت نمود.

آنچه برای توفیق در این کوشش محقانه در راه نیکیبختی ضروری است صلح و دوستی بین خلفاهست، خواهران عزیز، دوستان گرامی در سرتاسر جهان!

ما از خطر روز افزون مسابقه تسلیحات که ممکن است کار را بفلاکت جنگ هسته‌ای بکشاند و نتایج دشت بار آن را دامنگیر بشر گرداند در بیم و هراسیم.

و چو هتکنتی به‌جای ویل تولید وسائل تخریب و امحاء سرازیر میگردد.

ما بادرک مسئولیتی که درقبال آینده کودکان خود و سرنوشت صلح به‌همه ماست، عزم راسخ داریم همواره سهم بزرگتری را در مبارزه برای دفع خطر جنگ به‌همه بگیریم.

ما میخواهیم در کار ساختمان یک صلح استوار سهم باشیم. ما میخواهیم صلح استواری را پایه‌گذاری کنیم. ما خواهان جنگ نیستیم و معتقدیم که اختلاف بین دول را میتوان از راه مذاکرات صلح حل کرد.

ما میخواهیم بکوشیم تادر سرتاسر جهان همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای دارای نظامهای مختلف اجتماعی بر اساس احترام متقابل بشما و حاکمیت ارضی، عدم دخالت، تساوی حقوق و منافع متقابل برقرار گردد. ما خواهان تأمین صلح سلاح همگانی، کامل و قابل کنترل دقیق و در نوبه اول صلح سلاح هسته‌ای هستیم.

ما از شما دعوت میکنیم که:

دوش بپوش ما بدون دقیقه‌ای آرامش و وقته مبارزه کنید تادر راه متوقف ساختن آزمایشهای هسته‌ای، بوجود آوردن مناطق غیراتمی، از میان بردن پایگاههای جنگی و فرا خواندن ارتش‌ها از سر زمینهای غیر کامیاب گردیم.

از اقدامات رجال و سازمانها و دولتها و همه آنهائی که در این جهت عمل میکنند پشتیبانی کنید. برای تزیید اقدامات زنان در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز و صلح بکوشید.

صلح سلاح یکی از بزرگترین پیروزیهای مردم

بقیه از صفحه ۴

یک سند جالب از غارتگری انحصارهای نفت

و باین طریق سود ممالک خاورمیانه را به ۵۷٫۶ میلیون لیره تنزل داده یعنی با یک گردش قلم ۲۳٫۴ میلیون لیره از سهم ممالک مذکور دزدیده و در عوض، سهم خود را به ۱۱۵٫۸ میلیون لیره ارتقاء داده است. تراجگری وقتی بیشتر آشکار میشود که سود دول صاحب نفت خاور میانه را با سود دولت انگلستان مقایسه کنیم.

در اعلامیه اولیک‌صربیا گفته میشود که «درآمد کشورهای مصرف کننده از این مبلغ چهار یا پنج مرتبه بیش از درآمدی است که کشورهای صادرکننده از طریق مالیت بر درآمد وصول مینمایند». و بنا به نوشته درست روزنامه کیهان: تازه «درآمد مذکور بجز سود کلانی است که شرکت هلی نفتی از نفت ما میبرد».

اعلامیه اولیک میگوید که شرکت‌های نفتی در محاسبه با کشور خوشان رقم بهره مالکانه ممالک صاحب نفت را در جزو مبلغ کل هزینه بحساب میآورند و باین طریق بر مبلغی که آنها بدولت‌های خودشان میپردازند افزوده میگردند؛ ولی همین شرکت‌ها در محاسبه با کشور های صاحب نفت رقم بهره مالکانه را در جزو مبلغ کل هزینه بحساب نمیآورند تا باین طریق از مبلغی که بدولت های اخیر میپردازند کاسته گردد. اعلامیه اولیک اظهار نظر میکند که «شاید قوانینی را که (شرکت‌های نفت) برای غرب خوب و قابل اجرا میدانند برای کشورهای شرقی

صلحدست خواهد بود. صلح سلاح به هر قراری صلح همگانی کمک خواهد کرد و شرایط تساوی واقعی بین خلفا را فراهم خواهد ساخت و موجب آزاد شدن منافع هنگفت مادی و انسانی برای کار مسالمت آمیز خواهد شد و علم را در خدمت بشر قرار خواهد داد. صلح سلاح نمیتواند همه مسائل حل‌نشده اجتماعی و غیره را حل کند ولی شرایطی بوجود خواهد آورد که منطبق با منافع خلفا باشد.

صلح سلاح و صلح بستگی لاینفک با آرمان خلفائیه دارد که برای تأمین استقلال ملی خود در مبارزه هستند. این امر که میلیون‌ها مرد و زن و کودک هنوز در بردگی استعماری بسر میبرند و این امر که بسیاری از کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین هنوز از نظر اقتصادی وابسته بدولتهای امپریالیستی هستند و اینکه پس از هجده سال که از درهم شکستن هیتلر میگذرد هنوز دیکتاتوری‌های فاشیستی وجود دارند، برای جامعه بشر تحمل ناپذیر و ننگ‌آور است.

همه خلفا باید امکان آنرا داشته باشند که آزاد و مستقل زندگی کنند و شیوه زندگی و نظام اجتماعی خویش را خود بر گزینند.

ما با زنان و خلفائیه که علیه هر نوع ستم امپریالیستی و هر گونه استثمار و بقایایی فئودالیسم و در راه آزادی و استقلال ملی خود مبارزه میکنند هم صدائیم.

ما بازنانی که در شرایط وحشتناک فاشیسم مبارزه کرده و رنج میبرند هم صدائیم. ما مبارزه میکنیم تا هیچ زنی بسبب آنکه از کودکان خود و آزادی و صلح دفاع میکرده است در زندان نباشد.

ما زنان که حیات بشیم باید خود مدافع حیات باشیم.

مسئولیت بزرگی در راه حفظ حقوق خود ما نیکیبختی کودکان ما و دفاع از صلح و حق خلفا برای استقلال بر دوش ماست، ولی مایه نیروی خودایمان راسخ داریم.

ما بیش از نیمی از جامعه بشری را تشکیل میدهم. نیروی مادر وحدت ماست که تاکنون گریز از دهشتی جنگ‌سوم جهانی را امکان‌پذیر کرده‌است؛ آنچه‌ما را باهم متحد میکند نیروی بزرگی است: آن عشق بکودکان ما، دوستی و همدردی میان زنان و خلفای جهان است، کوشش ما در راه صلح، عدالت، ترقی و سعادت تمام بشر است. ما متجدد شده‌ایم تا همه نیروها را جمع آوری نموده علیه خطر جنگ بیکار اندازیم و صلح استوار را در سرتاسر کره ارض تأمین نماییم. اگر ما بخواهیم زندگی‌پروژ خواهد شد!

مسکو ۲۴ - ۲۹ ژوئن ۱۹۶۳

بقیه از صفحه ۴

«دارهای ناشیانه»

و مبلغین ناشی‌تر

بدین‌طریق حلقات سه‌گانه زنجیره بلوک‌های نظامی تجاوز کار امپریالیستها از طریق مرکز تله کمونیکاسیون اطراف پیشاور یکدیگر متصل میشوند و شبکه مخابراتی سرتاسری عظیمی را بوجود می‌آورند که فرمانهای نظامی سران امریکائی و انگلیسی بلوک های نظامی را به طرفه العین بتمام سادها و واحد های تابعه بلوک‌ها، و از جمله ستاد ارتش ایران، ابلاغ میکند.

چنین است ماهیت واقعی شبکه مخابراتی ۸۸ ایستگاهی بیمان سنتو که اینک یک‌دگل آنزینت افزای میدان مرکزی تهران شده است.

و اما در مورد میلیون‌ها دلاری که گویا امریکائی‌ها «مفت و مجانی» برای این تأسیسات میدهند باید گفت که بیش از دوسوم کل هزینه ساختمان این ۴۵ ایستگاه از بودجه دولت ایران پرداخت میشود. بموجب تعهدی که نمایندگان ایران در کنفرانس گروه کار تقبل کرده‌اند ایران به تنهایی برای اجرای این طرح بیش از ۸۰۰ میلیون ریال باید پردازد.

بنابر این برخلاف نظر نویسنده مقالات «بدون رتوش» که از دولت قیافه متواضع و سربریزی میسازد سکوت دولت ودولت‌یان در مورد هدف اصلی ساختمان دگل میدان سپه به‌چوچه بدون علت نبوده و آنها که خود اولین کلنگ بنای دبستان را لافزانه برخ مردم میکنند و صفحات روزنامه‌ها و مجلات سرسپرده را پر میکنند در مورد دگل میدان سپه بخصوص سکوت را ترجیح داده‌اند.

حال اگر مجله پیشگفته باتلاش بیش از حد خود برای جبران «کارهای ناشیانه دولت»، در

بقیه از صفحه ۴

همه با هم

در مبارزه بادشمنان خلق

دستبردها زده تا آنرا در جهت منویات خود تغییر دهد هرگز به‌سلطنت قانع نخواهد بود. شاهي که مژه حکومت را چشیده دیگر با میل و رغبت از آن دست برنخواهد داشت و اگر بغرض بر اثر فشار توده‌های مردم‌روزی ناچار شود به‌سلطنت قناعت کند و از حکومت دست کشد، ولی از کوشش وتوطئه باز نخواهد ایستاد تا حکومت را دوباره بخود برگرداند.

حزب توده ایران باز هم نخستین سازمانی است که ماهیت رفوورمهای شاه را افشاء کرد و نشان داد که این مرد حیل‌گر که تکیه‌گاهی جز سرنیزه ندارد با این تشبثات بیخایل خود میخواهد پایگاهی در میان مردم ایجاد کند تا رژیم شوم خود را که ارکان آن دستخوش زلزل است تثبیت نماید و باز هم چند صباحی بر سریر حکومت ایران بنشیند.

گذشت زمان صحت نظریات حزب ما را ثابت کرد. جالب است که اکنون پارهای از سازمانها به این نتیجه رسیده‌اند که جز با زور و قهر نمیتوان شاه و طبقه حاکمه را از صحنه تاریخ بکنار زد و در این اعمال زور و قهر میخواهند بر نیروی بیکران زحمتکشان تکیه کنند.

ما همیشه بر آن بوده‌ایم که شاه تکیه‌گاهی در میان مردم ندارد و لذا پایه‌های رژیم او سست و لرزان است. ولی رژیم شاه خود بخود سقوط نخواهد کرد. برای برچیدن آن اتحاد همه نیروهای انقلابی ضروری است، اتحادی که از یک و خشم مردم نسبت بشاه نیروی متشکل و آگاهی پدید آورد، نیروئی که مانند سیل خروشان شاه و رژیم منحوس او را از سر راه ترقی و سعادت ایران برخواهد داشت. تردیدی نیست که اگر در گذشته ندهای حزب توده ایران در ایجاد جبهه واحد و مبارزه مشترک، از طرف نیروهای مترقی ایران بلاجواب نمایانده چه بسا اکنون کشور ما از این «شبح شوم» رهائی یافته بود. اکنون نیز هر اندازه سریع‌تر و زودتر نیروهای مترقی برای مبارزه مشترک با یکدیگر توافق کنند، آرزوی ملت ایران در برانداختن رژیم موجود و زودتر تحقق خواهد پذیرفت. اصرار در جدائی نیروهای انقلابی، عنوان و بهانه آن هر چه باشد، نتیجه‌ای جز دوام رژیم شاه نخواهد داشت.

حق دولت ودولت‌یان دوستی خاله خر سه انجام داده و خود را بوضع مضحکی دچار ساخته است گناش را فقط باید متوجه خود بداند که خواسته است کاسه گرمتر از آتش باشد.

پ. پیکار

مردم

نارنجی، دبیر

«کارهای ناشیانه»

و مبلغین ناشی تر

نصف ۸۸ ایستگاه به ضمیمه راههای فرعی آن باید در خاک کشور ما ساخته شود. دگل نوظهور میدان سپه یکی از دگل‌های ۴۵ گانه ایستگاههای تله رله است که در درجه اول برای تکمیل سیستم مخابراتی پیمان نظامی هوا و کار ستنو ساخته میشود. ولی شبکه مخابراتی ۳۰۰۰ میلی تنها برای نیازمندیهای نظامی بلوک ستنو نیست.

در اطراف پشاور پاکستان محل دور افتاده ایست بنام «باد خیرا» که حتی مقامات عالی رتبه پاکستان را هم بی اجازه مخصوص امریکائی‌ها بانجا راه نمیدهند. این محل یکی از مراکز مهم تأسیسات نظامی بانیان اصلی بلوک های ستنو و سیتو است. در این محل علاوه بر میدانهای پرتاب موشک و فرودگاه مدرنی، که با تئورس در سال ۱۹۶۰ با هواپیمای یو-۲ از آنجا پرواز کرد، یک مرکز بزرگ تله کومونیکسیون یا تله رله و با همان مرکز تقویت کننده صدا نیز وجود دارد که مخصوص برقراری ارتباط بین پایتخت های ستنو و سیتو از یکطرف و قرارگاه بلوک ناتودر اروپا از طرف دیگر است.

بقیه در صفحه ۳

پیام کنگره جهانی زنان
بزنان همه قاره ها

کنگروه جهانی زنان از ۲۴ تا ۲۹ ژوئن ۱۹۶۳ با حضور ۲۰۰۰ نماینده زن از ۱۱۹ کشور جهان در مسکو تشکیل شد. صلح و دوستی، استقلال و برابری حقوق، نیکی به بختی کودکان، تعام ملل-مهدنهای پرارجی است که مجمع عظیم بین المللی زنان بخاطر تحقق آنها در مسکو گرد آمد.

کنگروه در پایان کار خود پیامی خطاب بزنان و مادران همه کشورها و همه قاره ها صادر کرد که ذیلا از نظر خوانندگان عزیز میگذرد:

* * *

زنان، مادران همه کشورها و همه قاره ها، خواهران عزیز، دوستان گرامی! روی سخن ما شرکت کنندگان کنگره جهانی زنان با همه شماست.

ما نمایندگان صدها میلیون زن از ۱۱۰ کشور از اقطار جهان: اروپا، آسیا، آفریقا، استرالیا، از همه کشورهای قاره آمریکا در مسکو گرد آمدیم تا پس از تبادل تجربه خود و پس از تبادل بیم و امید خود متفقا راهی برای پایان بخشیدن به اضطراب خویش و تحقق امید های خود بیابیم.

با اینکه کشورهای ما از حیث تکامل هم سطح نیستند و با این که وضع اجتماعی و نظریات سیاسی و معتقدات مذهبی ما یکی نیست همه ما تمایل واحدی داریم و آن صلح استوار برای همه مردم جهان است. همه ما در کوشش خود برای آنکه زنان کارگر و دهقان، زنان خانه دار و نمایندگان زنان روشنفکر

بقیه در صفحه ۳

همه با هم

درمبا، زه باد شهنان خلق

کرده است. حزب توده ایران بارها توضیح داده است که شاه تا آن اندازه که در قدرت دارد خواهد کوشید بر کشور ایران حکومت کند و نه سلطنت. شاهی که بقانون اساسی

بقیه در صفحه ۳

يك سند جالب

از غارتگری انحصارهای نفت

اعلامیه‌ای که اوپک (سازمان کشورهای تولید کننده نفت و از آنجمله ایران) در اواخر خردادماه صادر کرد بسیار جالب توجه است. این اعلامیه به نام دبیر انتشار گزارش سالیانه ۱۹۶۲ شرکت نفتی بریتیش پترولوم (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) صادر شده است. هدف اوپک از صدور اعلامیه اینست که درآمد دولت ایران را از محل نفت با استفاده از ارقام رسمی گزارش مذکور بادرآمد دول انحصارهای نفت مقایسه کند و آنکه نظر ممالک صاحب نفت را در مورد مطالبه مبالغ بیشتر مطرح گرداند.

بدیهی است که منافع بیکران کمپانی‌های بزرگ امپریالیستی را تنها از روی آمار رسمی آنها که به هیچ وجه منعکس کننده تمام واقعیت نیست نمیتوان دریافت. این امر فقط پس از درهم شکستن نیروی اهریمنی این کمپانی ها و کشف توطئه ها و جعل ها و نیز تک بازی های آنان میسر خواهد بود. ولی همین ارقام رسمی نیز که شرکت نفت بریتیش پترولوم بدست داده است دلیل بارز بر غارتگری بی محلی انحصارهای نفتی در منابع ثروت ملی ما و سایر ملت های خاورمیانه است.

بر طبق قرارداد های موجود، شرکت نفت انگلستان باید مجموعه هزینه های خود را از مبلغ عایدی خود که بر اساس قیمت نفت در خاورمیانه محاسبه میشود بکاهد و آنکه سودی را که تا این مرحله بدست میآورد خود دول خاورمیانه بطور برابر تقسیم کند. تردیدی نیست که پرداخت بهره مالکانه نفت نیز در جزو ارقام هزینه شرکت است. ولی شرکت در این مورد بشیادی آشکاری دست میزند و بهره مالکانه را در جزو ارقام هزینه بشمار نمیآورد بلکه بعداً یکجا از سود خالص کسر میکند و باین طریق یک رقم درشت هزینه را یکجا بدوش دولت ایران میاندازد.

برای روشن شدن مطلب توضیح میدهم که در سال ۱۹۶۲ مجموعه عایدی شرکت از نفت خاور میانه بر اساس قیمت در خاورمیانه ۷۴۶۱ میلیون و هزینه وی مشتعل بر عملیات و استهلاک و همچنین بهره مالکانه ۵۸۲٫۱ میلیون لیره بوده است و مطابق این حساب سود خالص شرکت ۱۶۲ میلیون بوده که مطابق قرارداد ۸۱ میلیون شرکت نفت مبلغ ۴۶۲٫۱ ملیون لیره را که بعنوان بهره مالکانه بدولت های خاورمیانه پرداخت شده از صورت هزینه خارج و بعداً از سود خالص کسر کرده

بقیه در صفحه ۳

کشتار میهن پرستان عراقی ادامه دارد

را از بین ببرند و جمهوری مستقل و آزادی را پایه گذاری کنند. حالا گروه جنایتکاری بر سرکردگی عبدالسلام عارف پیدا شده است که زیر نام «اجرای هدفای انقلاب ژوئیه» تمام هدف های انقلاب را به خشن ترنج وجهی لگد مال کرده است.

مردم ایران که خود اسیر حکومت جابر محمد رضا شاه جنایتکار هستند و فرزندان خود را در زندانها، شکنجه گاه ها و میدانهای اعدام دیده اند و می بینند، عمیقاً آنچه را که بر مردم عراق میگذرد درک میکنند. مردم ایران میدانند که تحکیم حکومت کودتائی عبدالسلام عارف در همسایگی ایران، که بقیمت کشتار سیسابقه برادران عراقی صورت میگیرد، در تشدید ترور پلیسی در ایران تأثیر مستقیم دارد. بهمین جهت برای مردم ایران اعتراض به این جنایات هم از نظر انسانی و هم از جنبه ملی یک وظیفه فوری و حتمی است. ما تردید نداریم که میهن پرستان و آزادیخواهان ایران با استفاده از تمام امکانات خود به جنایات فجیعی که در عراق رخ میدهد اعتراض خواهند کرد و با ملت اسیر عراق که با تن خونین ولی روحیه ای شکست ناپذیر بر ضد استعمار و استبداد مبارزه میکند، ابراز همبستگی خواهند نمود.

در همان حال که دولت کودتائی عبدالسلام عارف با حمله و حشیانه بخلق کرد جنگ داخلی خونین را آغاز کرده است، هر چند روز یکبار نیز دسته دسته میهن پرستان عراقی، کمونیستها و دموکرها را تیرباران میکند. در واقع عراق اکنون یک اردوگاه اسیران، یک کشتارگاه تبدیل شده است. از یکطرف هزاران نفر از مردم را برندان انداخته اند و بجنج ترین وضعی شکنجه مبدهند و از طرف دیگر پس از کشتار دسته جمعی در روزهای اول کودتا، هر روز بهانه ای گروهی را در محاکم نظامی سری و قلابی بمرگ محکوم میکنند و حتی بدون محاکمه میکشد. تعداد این اسیران و قربانیان هم روز بروز افزایش می یابد. چنین جنایتی، با این وسعت و شدت، حتی در حکومت نوری سعید هم سابقه ندارد.

این اسیران و قربانیان کیستند؟ اینها مردمی هستند که با حکومت فاسد و جابر فیصل - نوری سعید مبارزه کرده اند، بقیمت قربانیان و فداکارهای کم نظیر این حکومت را سرنگون ساخته اند، با انقلاب ژوئیه، جمهوری عراق را بوجود آورده اند، توطئه های امپریالیسم را در هم شکسته اند، بادیکتاتوری قاسم مبارزه کرده اند و میخواهند تسلط امپریالیسم

حزب توده ایران اعتقاد را سخ داشته و دارد که یکی از شرایط پیروزی مردم ایران در مبارزه بخاطر آزادی و استقلال و آینده روشن میهن ما سقوط رژیم نکتب بار کنونی و برچیدن بساط سلطنت محمد رضا شاه است. محمد رضا شاه «شیخ شومی» است که سالها است بر سراسر میهن ما و مردم ما سایه افکنده است. شاه مانند جغد شومی است که بر بالای ویرانه ای که ساخته و پرداخته خود اوست نوحه میزند. ناسایه این شیخ از روی ملت ما برداشته نشود، تا این جغد شوم از فراز میهن ما بزرگ افکنده نشود، امکانی برای آزادی و آبادی کشور ما نیست.

امروز پس از گذشت زمان و بر اثر واقعات سرسخت، این حقیقت دیگر بر هیچکس پوشیده نیست و آن عده از میهن پرستان ایران که در گذشته تصور میکردند هنوز با پند و موعظه و گاهی با تهدید به انقلاب میتوانند شاه را از راه خیانت بملت و کشور باز گردانند و شعار «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» را هنوز عملی میدانستند اینک بر حلقه قطعی تری در مبارزه بر علیه شاه و بقصد ریشه کن ساختن او وارد اقدام شده اند.

حزب توده ایران نخستین سازمانی است که مبارزه با شاه را آغاز و پیوسته با سرسختی دنبال کرده است. بدون شک این مبارزه حزب توده ایران در شناساندن چهره واقعی شاه، در افشای ماهیت فاسد و خیانتکار او و تجهیز افکار عمومی بمبارزه با او نقش اساسی بازی

در میدان سپه تهران بازگزی هیولای عظیمی قد علم کرده است. این هیولا دگل آهنی غول آسایی است که سر به ابر میساید. ساختمان این کوه آهن و فولاد، بر خلاف ساختمان دبستان و بیمارستان، با سرعت سیسابقه ای بالا رفت. اهالی تهران تا مدتی هنگام عبور از مرکز شهر باین بنای عجیب با حیرت مینگریستند و هر چه به مغز خود فشار میآوردند غرض بانیان آنرا از اقدام چنین ساختمانی در نمی یافتند. اخیراً یکی از مجلات تهران، که از واقفان اسرار پشت پرده سیاست در بار است، یکی از مقالات «بدون رتوش» خود را به توصیف این دگل مجهول الهویه اختصاص داد. نویسنده در این توصیف نخست بدولت و دولتیان متنازد که چرا تاکنون «در باره این بنای معظم و مدرن توضیحی بکسی نداده اند». سپس خود در مقام جبران «ناشیگری» مبلغین دولتی بر میآید و در توضیح علت وجودی دگل نوظهور مینویسد: «این دگل عظیم همدن آتن از ۴۵۰ آتی است که بمنظور ایجاد یک شبکه مخابراتی رادیویی و تلگرافی و تلفونی و تلویزیونی در سراسر خاک ایران نصب خواهد شد. با برقراری این سیستم نه تنها

مردم تهران و سایر شهرهای ایران میتوانند از برنامه های تلویزیونی اروپا و آمریکا که بوسیله امار مصنوعی پخش میشود استفاده کنند بلکه ششصد نفر در آن واحد میتوانند مخابره تلفونی انجام دهند...» پس دولت و دولتیان در اقدام باین بنای غول آسا غرضی جز تهیه اسباب بیشتر تفریح برای مردم و تسهیل مشکلات تلفونی و تلگرافی و تلویزیونی آنها نداشته اند! بهمین جهت هم نویسنده مقاله «بدون رتوش» از «سکوت ناشیانه» دولت در تبلیغ این «اقدامات سودمند» بر آشفته است و در شماتت از این کارهای ناشیانه مینویسد: «آنها اینکه... میلیونها دلار مفت و رایگان برای این تأسیسات از امریکائیا میگیرند باید بجای... شرح جریان گشایش فلان دبستان شرح این کارها را که در زندگی آینده مردم و وضع کشور آنها مؤثر است بدهند که متأسفانه ناشیانه سکوت کرده اند».

«توضیح» روشن کننده مقاله «بدون رتوش» بهمین مختصر پایان میپذیرد و نویسنده خوش خیال می پندارد که با چنین توضیحی «مردم بی خبر» را فریفته و برعکس ناآگاهی دولتیان، واقعیت کریه را بارتوش «استادانه» خود آراسته است.

حال ببینیم دگلی که اینچنین «در زندگی آینده مردم و وضع کشور آنها مؤثر است» و مردم تا بحال از چنین تأثیر سحر آسائی بی خبر مانده بودند، برای چه منظور واقعی در میدان سپه سبز شده است. «توضیح» «بدون رتوش» را تکمیل میکنیم. دوسال پیش گروه کار کشورهای عضو بلوک ستنو برای بررسی مسائل مخابراتی ستنو کنفرانسی نخست در کراچی و سپس در آنکارا تشکیل داد و برای ایجاد شبکه مخابراتی مدرن پیمان ستنو تصمیم با ساختمان ۸۸ ایستگاه تله رله (تقویت صدا) در سراسر منطقه ستنو گرفت. این ۸۸ ایستگاه اکنون با سرعت در مسافت ۳۰۰۰ میل بین کراچی - تهران - آنکارا در دست ساختمان است. بموجب تصمیم کنفرانس گروه کار ستنو ۴۵ ایستگاه یعنی بیش از